



تشکلهای زنان و گروههای خودیار؛ گامی به سوی استقلال با نگاهی به وضعیت تعاونیهای زنان در کامرون

نویسنده: الزابت هارت وینگ
ترجمه: ابوالقاسم شریفزاده - کریم حبیب پور

مقدمه

زنان در مناطق روستایی آفریقا رکن عمده تولید محصولات کشاورزی هستند. آنها بیش از ۸۰ درصد از محصولات عمده را تولید می‌کنند. با این وجود، آنها یکی از گروههای فقیر جمعیت هستند که هیچگونه دسترسی به مالکیت زمین، اعتبار و آموزش ندارند. تعداد رو به رشد سازمانهای زنان^۱ و گروههای خودیار^۲ در طی بیش از ۲۵ سال گذشته اشاره بر این دارد که زنان خواهان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی‌شان هستند. تجربه کار با گروههای زنان در کامرون، مشخصه مرکزی مقاله حاضر است.

آیا زنان نمی‌توانند پروژه‌های خودیاری را در گروههایشان سازماندهی نمایند؟ آیا آنها نمی‌توانند هیچگونه فعالیت درآمدزا را برعهده گیرند؟ اینها سؤالاتی بودند که توسط زنان آفریقایی بحث‌گرا^۳ در جلسه‌ای با حضور نمایندگان از یک گروه زنان روستایی آلمان در روستای

اشاره:

در طی سالهای اخیر، در قالب رهیافتهای نوین توسعه روستایی، بر ارزش و اعتبار عوامل بومی و انسانی افزوده شده است. دخالت خودجوش عناصر محلی در فرایند توسعه و تحرکبخشی به منابع بومی برای نیل به اهداف توسعه پایدار ملی و محلی، زیر بنا و شالوده نگرشی را تشکیل می‌دهد که از آن می‌توان با عنوان «توسعه مشارکتی» یاد کرد. گروههای خودیاری و سازمانهای همیار در مقام یک ساختار اساسی و ضروری دستیابی به مشارکت نهادینه شده توانمندساز مردمی را تسهیل می‌نمایند و افقهای امیدبخش و نسبتاً روشنی را در مسیر تحقق توسعه مشارکتی قرار می‌دهند. وجود همیاری در بین روستاییان بطور عام و مابین زنان در قالب گروههای خودیاری از عناصر مهم و ویژگیهای ممتاز مناطق روستایی است که غالباً دارای کارکردهای توانمندساز یا چندگانه بوده و ریشه اجتماعی - فرهنگی داشته و از ظرفیتهای گسترده‌ای در جهت تداوم کارکردهای توسعه پایدار برخوردارند.

این همیارها از گذشته دور تاکنون در برخی مناطق در بین زنان وجود داشته و سازمان‌دهنده جریان امور این قشر در مناطق روستایی می‌باشد و با برخورداری از ویژگیهای مثبتی همچون مشارکت اعضا، همدلی، منافع مشترک، داوطلبانه بودن و سازماندهی پویا در جهت استقلال همچنان به بقای خود از طریق فرایندهای فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن ادامه می‌دهند. مقاله‌ای که ترجمه آن در این نوشته خواهد آمد به بررسی گروههای خودیار زنان نواحی روستایی در کشورهای آفریقایی پرداخته و ذکر چند مثال به بیان نقش و اهمیت آنها در بهبود وضعیت این اقشار در جوامع روستایی پرداخته و در نهایت راهکارهای راهبردی را برای گسترش این نوع گروهها در بین جوامع روستایی در سطح جهان ارائه می‌نماید.

انجمنهای پس انداز و صندوقهای از کارافتادگی

زنان معمولاً تنها قادرند سود ناچیزی را از فروش محصولات و مواد خام مورد نیاز برای فرآوری محصول در بازار محلی به دست آورند. به این دلیل، علاوه بر کار مشترک در مزارع، اجرای طرحهای وام و پس انداز در قالب گروه، اهمیت محوری دارد. بسیاری از گروهها به عنوان انجمنهای پس انداز^۴ آغاز بکار کردند. که در آنها پول جمع آوری شده به صورت چرخشی بین اعضا به صورت وام پرداخت می‌شد.

در این انجمنها، زنان مبلغ ثابتی را به صورت هفتگی یا ماهانه پرداخت می‌کنند و بنابراین، کل مبلغ یک دفعه به یکی از اعضای گروه به صورت وام پرداخت می‌شود. در این انجمنها، انواع گوناگونی از شیوه‌های پس انداز و تخصیص وام وجود دارد. برای مثال، مقادیری از پول انجمن می‌تواند بصورت داوطلبانه و به صورت وامهای برخوردار از بهره به اعضای سایر گروهها نیز پرداخت شود. سپس در آخر سال و یا زمانی که موقع خرید بذر جدید و یا صوقع پرداخت شهریه مدرسه فرزندان فرا می‌رسد، سود حاصله بر حسب میزان سپرده‌های انجام شده، مابین اعضای انجمن توزیع می‌گردد. فعالیتهای بسیمه تحت عنوان «صندوقهای از کارافتادگی»^۵ نیز توسط این گروهها صورت می‌گیرد. این صندوقها حمایتهای مالی موردنیاز را برای اعضا در مواقع سختی نظیر بیماری و یا مرگ یکی از اعضای خانواده فراهم می‌سازند. نکته قابل توجه درباره این صندوقها این است که هر آنچه که در این صندوقها پس انداز می‌شود، دور از دسترس شوهران این زنان قرار دارد.

زنان طبیعتاً علاقه وافری به افزایش درآمد ناچیز مستقیم و غیرمستقیم خود از طریق با هم کار کردن در داخل گروه دارند. فروشگاههای کوچک تعاونی که هر روز اقلامی همچون روغن نخل، نمک، صابون، کبریت و پوره گوجه‌فرنگی

خاص، هنوز هم نقطه آغازی برای بسیاری از گروههای زنان می‌باشد. با توجه به اینکه این گروهها تمامی منابع فیزیکی و فکری‌شان را در جهت بهبود وضعیت‌شان بسیج می‌نمایند، از اینرو آنها می‌توانند به طور مشروع به عنوان گروههای خودیار تلقی گردند.

در مقایسه با گروههای سنتی، گسرووهای امروزی اهداف بلندپروازانه‌تری را دنبال می‌کنند و فعالیت‌های متعددی را با تنوع بیشتر انجام می‌دهند.

اکثر زنان در آفریقا از پایگاه اجتماعی‌شان محروم‌اند و بنابراین، بویژه تحت تأثیر تغییرات و بحرانهای سیاسی و اقتصادی در دهه‌های اخیر قرار گرفته‌اند. زنان روستایی بویژه با این مسئله روبرو هستند که شوهرانشان توانایی و تمایلی به اجرای تعهدات‌شان نسبت به خانواده را ندارند. از اینرو، این گروه از زنان بطور قابل توجهی مجبورند که پول کافی را نه تنها برای تغذیه فرزندانشان، بلکه برای تأمین مالی آموزش آنها نیز فراهم آورند. بنابراین، هدف عمده زنان افزایش درآمد است تا از این طریق بتوانند وضعیت مادی خویش را بهبود بخشند.

برای بسیاری از زنان، دلیل عمده برای سازماندهی تشکلهای، با هم کار کردن در مزارع است. به خاطر این که هنوز هم بیشتر کارها در مزارع به صورت یدی انجام می‌شود. در بسیاری از مناطق آفریقای غربی، زنان هنوز هم مسؤول تولید غذا هستند. در مناطق دیگر نیز خروج مردان از خانه در جستجوی کار بدین معناست که، زنان بطور چشمگیری مجبورند تا مدیریت تولید کشاورزی را نیز خودشان برعهده گیرند. بهره‌برداری مشترک از مزارع به صورت مالکیت خصوصی یا گروهی منجر به آن خواهد شد که نواحی بیشتری به زیر کشت درآیند و همچنین در نتیجه آن، آنها بهتر می‌توانند از عهده افزایش بار زحمات خود در مزارع برآیند.

محلی آنها، سارچینگ باواریا، و در سمناری که در اکتبر سال ۱۹۹۸ توسط مؤسسه توسعه بین‌المللی^۴ در آلمان با عنوان «گسترش سازمانهای خودیاری» برگزار شد، مطرح گردیدند.

در کشورهای آفریقایی، به کار زنان در درجه اول با توجه به نقش آن در توسعه روستایی نگریسته می‌شود. از اینرو، مطالعه بر گروههای زنان وظیفه اصلی بیشتر آنها به حساب می‌آید. مشاهداتی که آنها انجام می‌دهند و تجاربی که آنها می‌توانند از این کار کسب نمایند، مستقل از اینکه ساکن کدام بخش از آفریقا هستند، بطور شگفت‌انگیزی با یکدیگر مشابهت دارند.

تفاوت عمده ما بین عصر مادران ما و عصر کنونی در این است که امروزه، سازمانهای زنان بسیار زیادی وجود دارند. این نگاه به یک زن کشاورز اهل شمال شرقی کامرون، در بین بسیاری از زنان روستایی هموطنش مشترک است. این پدیده‌ای است که می‌تواند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز مورد توجه قرار گیرد. و نه صرفاً در قاره آفریقا، که بیشتر تشکلهای زنان در آن، در طی ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته و بویژه در مناطق روستایی شکل گرفته‌اند.

طبق سنت، در بسیاری از گروههای قومی آفریقا، تشکلهای خاصی وجود داشته است و هنوز هم وجود دارد که در آنها زنان گرد هم می‌آیند. این تشکلهای در درجه اول بر پایه همجواری و همسایگی شکل می‌گیرند که عمدتاً در جهت سازماندهی و برگزاری آیینها و جشنهای مشترک ایجاد می‌گردد. به علاوه، مساعدت‌های متقابلی را در مواقع اضطراری به عمل می‌آورند. برای مثال در مواقع بیماری و در طول دوران حاملگی، تولد و پس از تولد، آنها به یکدیگر کمک می‌کنند.

گروههای زنان در نواحی روستایی - شکل جدیدی از سازمان؟

امروزه، ایده حمایت متقابل در مواقع

برای زنان باقی می‌ماند. در پایان این قسمت باید گفت که دامنه وسیعی از فعالیتهایی که توسط این زنان صورت گرفته، شگفت‌آور است و خلایقیت و انعطاف - پذیری آنها تحسین‌برانگیز و ستودنی می‌باشد.

حمایت از گروههای زنان

جالب این است که بدانیم چطور، در سالهای اخیر، حمایت سازمانهای کمک‌کننده و سازمانهای دولتی و غیردولتی، گسترش چنین فعالیتهای خودیاری و گروههای زنان را به عنوان «اهرمهای درآمدزا»^۸ مورد توجه قرار داده است. این توجه، کمک قابل‌اعتنایی نسبت به گروههای زنانی است که قبلاً به گسترش فعالیتهایشان در این نواحی مبادرت نموده‌اند. افزون بر این، این امر به رشد

شکل‌گیری گروههای جدید و در نتیجه ارائه حمایتهای مالی لازم، منجر شده است.

دو روند در مبحث سیاستگذاری کنونی توسعه و نیز در نتیجه همکاری عینی منجر به توسعه این گروهها گشته است:

الف) کمک در جهت خودیاری: گسترش طرحها و سازمانهای خودیاری از اواخر دهه ۷۰، به عنوان یکی از عناصر ضروری سیاستگذاری توسعه شناخته شده است. برنامه‌های این حوزه، عمدتاً در جهت کاهش فقر و رفع نیازهای اساسی می‌باشند. مبارزه با فقر در جهان سوم از طریق گسترش خودیاری، یکی از اصول اساسی سیاستهای توسعه کشور آلمان است.

تشکیل گروههای زنان، به ظاهر روش ایده‌آلی برای عملی کردن اهداف بسیاری از کارشناسان توسعه نسبت به گروههای



می‌گیرند که طبق سنت برای مردان در نظر گرفته شده است. آنها همچنین در تلاشند تا فعالیت‌شان را در جهت تعاونی پرورش دام و یا کشت سبزیجات منحصرأ به عنوان محصولات نقدی^۹ برای فروش در بازار گسترش دهند. در شمال شرقی کامرون، تعدادی از گروهها به گونه موفقیت‌آمیزی اقدام به کشت مزارع کوچک نخل روغنی بطور مستقل کردند، که در نتیجه آن توانستند خود از منافع ناشی از تولید و بازاریابی روغن نخل سود برند. طبق سنت، زنان ملزم به تولید محصولات روغنی هستند که در طی فرآیندی پرزحمت از نخل حاصل می‌شود - نخل مزارع شوهرانشان و فروش روغن حاصله در بازار محلی به عهده آنان می‌باشد. اما درآمد حاصله عمدتاً در دست مردان قرار می‌گیرد و اغلب، تنها روغن غیرقابل فروش به عنوان پاداش

را با قیمت نازل به اعضای گروه عرضه می‌کنند. این گروهها را به عنوان یکی از عوامل موفقیت فعالیت شرکت تلقی می‌کنند.

بخش مهمی از تلاش گروههای زنان، تسهیل و کاهش بار کاری لازم برای فرآوری محصولاتشان را هدف قرار می‌دهد. بدین صورت که آنها آسیابهای ذرت، آسیابهای کاساوا و یا آسیابهای کاهان روغنی را به صورت یک پروژه گروهی اداره می‌کنند و اغلب ممکن است یک چرخ دستی را نیز به صورت گروهی خریداری نمایند. انرژی و زمانی که زنان صرف به کارگیری یک ماشین با اداره مشترک می‌کنند، اغلب در جهت افزایش تولیدات کشاورزی و یا انجام یک فعالیت کوچک به کار گرفته می‌شوند. گاهی اوقات نیز، این زنان تصمیم به تصرف زمینهای جدید و ورود به حوزه‌ای

خودبیری می‌باشد. هدف آن، حل مسائل ویژه زنان و رفع نیازهای ضروری فردی و جمعی آنهاست. اعضای این گروهها بطور فعال آماده فعالیت در جهت منافع مشترک و ارائه هرگونه مساعدت شخصی به منظور دستیابی به این منافع می‌باشند. اعضای این گروهها بسیار مورد اعتمادند، حتی زمانی که وامهای کمی به آنها پرداخت می‌شود. وانگهی، آنها بخش عمده‌ای از جمعیت محروم روستایی را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند.

ب) زنان به عنوان گروه هدف برای توسعه: همزمان با بحث بر سر نظارت بر خودبیری، فیمینست‌های^۱ متعهد بر نقش زنان در توسعه تأکید کردند. بدنبال آن، دهه ۷۰ از سوی سازمان ملل به عنوان دهه جهانی زن نامگذاری و به سازمانهای دست‌اندرکار در سیاستگذاری توسعه معرفی شد. امروزه، نهادهای همکاری توسعه^۲ دولتی و یا غیردولتی به طور قابل توجهی زنان روستایی را به عنوان بازیگران اصلی در فرایند توسعه و نیز به عنوان یک گروه هدف در فرایند همکاری خاص توسعه پذیرفته‌اند.

در عین حال، ذکر این نکته ضروری است که اکثر زنان در آفریقا، همانند بخش‌های دیگر جهان سوم، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. این زنان، عمدتاً کشاورز هستند و قسمت عمده‌ای از نیروی کار بالقوه در بخش کشاورزی را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند. آنها ۳۵ تا ۴۵ درصد از تولید ناخالص ملی و بیش از ۵۰ درصد مواد غذایی این کشورها را تولید می‌کنند که این سهم در آفریقا، به بیش از ۸۰ درصد می‌رسد. علیرغم این مهم، آنها جزء فقیرترین گروههای جمعیت‌اند و اکثراً نیز از دسترسی به منابع مهم نظیر مالکیت زمین، اعتبار، بازارها و آموزش محرومند.

زنان (روستایی) به عنوان کنشگران

با حقوق برابر در فرایند توسعه در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در

سال ۱۹۹۵ در شهر پکن، اهمیت زنان روستایی مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. این کنفرانس بطور قاطع بیان داشت، که، تنها یکپارچگی زنان با فرایند توسعه کافی نیست، بلکه مهم‌تر از آن ضرورت دارد که به اهمیت زنان روستایی به عنوان عامل سرنوشت‌ساز و جدایی‌ناپذیر در فرایند دگرگونی مداوم اجتماعی و اقتصادی - نیز پی ببریم. حتی در اواخر دهه ۸۰، انتقادات شدیدی بر رهیافتهای صورت گرفت که نهادها از آنها برای بهبود وضعیت زنان استفاده می‌کردند. انگیزه‌های اولیه و حساس توسط زنان جنوبی صورت گرفت که در مناظره پایانی دهه زن در ناپروبی، اصطلاح «توانمندسازی»^۳ را وارد بحث سیاستگذاری توسعه کردند.

توانمندسازی می‌تواند به معنی ایجاد قدرت، افزایش قدرت و یا توانمندسازی قدرت تفسیر شود. البته این به معنای قدرت برای هر کسی نیست، بلکه به معنای قدرت برای زنان در جهت تعیین کنش‌های‌شان، اقتدار در تصمیم‌گیری و دسترسی به منابع می‌باشد. توانمندسازی زنان، فی‌نفسه به عنوان یکی از اهداف سیاستگذاری توسعه مطرح شد. اما در عین حال، به عنوان یکی از پیش شرطهای دستیابی به توسعه پایدار نیز عنوان می‌گردد. رهیافت توانمندسازی به وضوح بر نیاز زنان به سازماندهی خود به منظور دستیابی به جایگاهی در سطح سیاسی تأکید دارد.

براساس این رهیافت، که با عنوان رهیافت تساوی جنسیت در برنامه‌های توسعه ظاهر شده است، در حال حاضر، اساس فعالیت با مفهوم «افزایش حقوق برابر زنان و مردان برای مشارکت در فرایند توسعه» را در وزارت همکاری و توسعه اقتصادی آلمان تشکیل می‌دهد.

نقش گروههای زنان در فرایندهای توسعه

اما اکنون برای حافظان موقعیت مذکور یا آغازگران این تحول این سؤال مطرح

شده است که گروههای خودیار زنان و فعالیتهای آنها تا چه حد می‌توانند در تغییر ساختار سهم شوند؟ این مسئله کلی مکرراً در ارتباط با برنامه‌های همکاری توسعه (DC) مورد بحث قرار گرفته است.

● آیا نمی‌توان گفت که بسیاری از برنامه‌های مشارکت توسعه که فعالیتها را در این حوزه حمایت می‌نمایند، هنوز هم به صراحت «برتری متعادل» مفهوم «قدیمی» پیشبرد زنان در توسعه را منعکس می‌کنند؟ گروههای خودیار زنان در سطح کوچکی از جامعه عمل می‌نمایند و هدفشان تدارک بهبود موقعیت در کوتاه مدت درخصوص جایگاه واقعی زنان می‌باشد؛ بنابراین آنها با نیازهای جنسیتی عملی مرتبط هستند.

توجه زنان هنگامی که در قالب گروههای ویژه خود سازماندهی می‌شوند، معطوف به رفع مسائلی است که مختص زنان در این سطح کوچک بوده و مجزا از موضوعات بزرگتر جوامع می‌باشند. با توجه به پیگیری علائق راهبردی جنسیتی چه اتفاق می‌افتد؟ آیا تشکیلات زنان در گروههای خودیار می‌تواند آغازگر یا پیشرفت‌دهنده فرایندهای تغییر اجتماعی باشد؟ تا چه حد، گروههای خودیار زنان بر وقوع تغییر ضروری در روابط مابین زنان و مردان پافشاری می‌نمایند؟

● نقش ایفا شده به وسیله زنان به عنوان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان نیازهای اقتصادی برای خانواده شناخته شده و مورد تقدیر قرار گرفته است. بنابراین در کوتاه مدت، مساعدت مالی هدفدار، موقعیت آنها را به عنوان اعضای زنان روستایی بهبود خواهد بخشید. اما، آیا چنین مسأله‌ای به وقوع تغییر اساسی نیز خواهد انجامید؟

● زنان در گروههای خودیار مسؤولیت اضافی برای انجام فعالیتهای خویش برعهده دارند که به سختی با سود مادی دریافت شده متناسب است. بنابراین، آیا فعالیتهای گروه فقط استفاده از نیروی کار

کتابداری، بهبود فنون کشت و غیره. به هر حال، زنان بزودی نیاز به بحث پیرامون موضوعاتی با مضامین بیشتر آرمانی همانند مسائل مربوط به جایگاه زنان بیوه و قانون ارث را عنوان کردند.

بدین طریق، نمایندگان انتخاب شده از این سازمان حمایتی، مجالی برای مشارکت در کارگاه آموزشی پیدا نمودند؛ آنها در ابتدا مسائل محوری زنان روستایی را با هم تحلیل نمودند، این موارد نظیر قانون مربوط به زمین وارث، دستیابی به دارایی، فرصت‌های آموزشی برای زنان؛ و

بعدها به عنوان نمایی برای مسائل حادث‌تر اجرا شد.

زنان، فراتر از سطح روستاهای خویش تصمیم گرفتند تا روز بین‌المللی بعدی زن را تعیین نمایند، سازمان آنها می‌بایست نمایی را در مرکز ناحیه خویش ارائه می‌دادند که متوجه مسائل ویژه زنان در منطقه آنها بود. در این زمان، زنان تحلیل واقع‌گرایانه‌ای از چشم‌انداز پیرامون مسائل خویش ارائه دادند که به خوبی مورد استقبال قرار گرفت.

هنگامی که از زنان برای شرکت در یک نشست با «موضوع انتخابات آزاد و مردمی» دعوت شد، آنها فوراً پذیرفتند. آنها مراقب بودند تا نقض حقوق بشر بر علیه زنان نیز مطرح شود. آنها همچنین جرأت طرح آشکار تسبیح حقوق خود از سوی نمایندگان رسمی دولت بر علیه زنان را

سوئیس و آلمان دریافت نمودند. آنها همچنین برای تلفیق شدن در قالب یک سازمان پوششی کوچک، از سوی دفتر هماهنگی و اطلاعات زنان (WICO) نوکتانجیا (Ngoktunjia) حمایت شدند.

پس از آن، سازماندهی و تأمین بودجه دوره‌های کارآموزی از طریق سازمان پوششی برای گروه‌های زنان تحت‌الحمایه یا برای نمونه‌های فردی امکانپذیر شد. این دوره‌های کارآموزی، در ابتدا مرتبط با موضوعاتی بود که مستقیماً متوجه فعالیت‌های زنان بود، برای مثال دوره‌های

زنان را تشویق می‌نماید؟ آیا جامعه - بخصوص مردان - از مسؤولیت خویش آسوده خواهند شد؟ آیا سرانجام این روش، بهره‌برداری بیش از حد از منبعی که نیروی کار آن زنان هستند، نیست؟

● زنان و تشکلهای آنان، با انگیزه و قابل اعتماد دیده شده‌اند. آیا جوانب اثربخشی با پشتوانه منطقی برای حمایت از گروه‌های زنان وجود دارد؟

مشاهدات

اجازه دهید که چنین موضوعاتی را، بر پایه مشاهدات و تجربیات محققان از گروه‌های زنان در کامرون و نیز اطلاعات اخذ شده از گزارش‌های پیرامون گروه‌های خودیاری در صحرای آفریقا، به طور انتقادی بررسی نماییم.

حضور زنان روستایی در

صحنه سیاسی

تشکلهای زنان روستایی در استان شامل غربی کامرون، معمولاً به عنوان گروه‌های نانجی (njangi) شناخته شده‌اند. این تشکلهای، با انجام مشترک پروژه‌های کوچک به منظور بهبود درآمد اعضا شکل گرفته‌اند. آسیابهای کاساوا و ذرت به شکل گروهی توسط اعضا خریداری شده‌اند و تعاونیهای کوچک خرید و فروش روغن نخل نیز توسط آنها تأسیس گردیده‌اند.

این تشکلهای حمایتی به شکل کمکهای مالی و مشاوره از سازمانهای مشارکتی توسعه در



بازاریابی مشارکتی می‌تواند به خوبی سازمانهایی که علائق زنان را به هنگام معاملات با دولت و جامعه شکل دهد. در چنین مواردی، آنها در سطوح منطقه‌ای و محلی عمل می‌نمایند. بهرحال، تاکنون فقط نمونه‌های متفرقی از شبکه‌های استقرار یافته مابین گروهها در سطح مردمی و سازمانهای فعال در سطح ملی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

گروههای خودیار زنان، زنان عضو را قادر می‌سازند تا گامهای اولیه را به سمت استقلال و خودباوری بردارند. پروژه‌های خودیاری ویژه می‌توانند به عنوان نقطه آغازین برای مشارکت گسترده و تشکیلات وسیع‌تر زنان به حساب آیند. بنابراین مسئله ضروری برای برنامه‌های آنها همکاری در توسعه و محدود نکردن حمایت‌های خویش به مساعدت اتفاقی در فعالیتهای خودیاری است. به علاوه، کمکهای آنها ماهیت بلندمدت داشته و جوانب ساختاری را مدنظر قرار می‌دهد و این به معنی حمایت از آموزش برتر و فرایند سازمانی می‌باشد.

در هر حال به سختی امکان وقوع تغییر در روابط مابین زنان و مردان وجود دارد، مگر آنکه زنان در سازمانهای خویش مورد حمایت قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Women's Organization
- 2- Self-help groups
- 3- In credulous
- 4- Foundation for International Development
- 5- Savings Associations
- 6- Trouble Funds
- 7- Cash Cros
- 8- In come-generating measures
- 9- Feminists
- 10- Development cooperation institutions
- 11- Empowerment

سازماندهی خود را دارند، فرصتی دست می‌دهد تا از تواناییهای خویش بهره گیرند. آنها می‌توانند از فرصتی که گروه برای آنها مهیا ساخته است، به منظور بیان مشروح نیازها و مسائل خویش استفاده نمایند. به علاوه آنها را قادر می‌سازد تا چگونگی اظهار علائق و نقطه نظرات خویش را در سطوح متفاوتی ارائه و تمرین نمایند و با تبادل دیدگاههایشان در مورد مسائل خاص خود، بحث و پریش پیرامون عوامل ساختاری را که منجر به محروم ماندن زنان شده‌اند، آغاز

گروههای خودیار زنان به زنان روستایی که از طرق دیگر به سختی امکان سازماندهی خود را دارند، فرصتی می‌دهد تا از تواناییهای خویش بهره گیرند. آنها می‌توانند از فرصتی که گروه برای آنها مهیا ساخته است، به منظور بیان مشروح نیازها و مسائل خویش استفاده نمایند.

نمایند. عضویت در این گروهها به طور عینی برای زنانی که هیچ دسترسی به آموزش ندارند، آزاد می‌باشد آنها در این تشکلهای طرق مواجهه شدن با مسائل خاص پیرامون زندگی و کار خود در گروهها را می‌آموزند. به علاوه در آنها انگیزه و محرکهایی برای تبادل اطلاعات و توسعه آموزشی آنها ارائه می‌شود.

همچنین ارتباط و تماس با سایر گروه‌های زنان می‌تواند محرکی برای سازماندهی وسیع‌تر در سطحی بالاتر باشد، برای مثال بهم پیوستن در سازمانهای حمایتی. آنها در سطوح برتر تشکیلاتی از این نوع، اولویتهای مختلفی را می‌توانند دنبال نمایند. خرید، فروش و

پیدا کردند که به قسمتی از مبارزات انتخاباتی حزب مخالف تبدیل گردید.

ویولت نونگ (Violet Ngong) رئیس دفتر هماهنگی و اطلاعات (WICO) نجکانتانجیا توضیح داد که چگونه این وضعیت بوجود آمده است: «امروزه، برای ما آسانتر شده تا در یک نشست حضور پیدا کنیم و نظرات خویش را بیان نمایم، حتی اگر مردان رئیس باشند.»

سابقاً ما می‌ترسیدیم که هر چیزی را بگوییم، اما ریزنی ما نشان داد که چگونه آن را در نشست‌هایمان انجام دهیم. او گفت: شما می‌توانید همان را انجام دهید، ما امروز بدون محدودیت و آزادانه سخن می‌گوییم در نتیجه ما در سایر گروههایی‌ها قادریم تا آن چیزی را که ما در نشست‌های خویش تمرین نموده‌ایم، به معرض نمایش بگذاریم.

موفقیت‌های اقتصادی قابل سنجش و موقتشکلهای زنان که هدفش برآورد نیازهای فوری آنها بوده است، خود جای بحث دیگری دارد. با این حال درآمد اضافی زنان ناچیز است. زیرا منفعت زنان در حالات واقعی بیشتر از طریق صرفه‌جویی در زمان و تسهیل مسئولیتهای آنها امکان‌پذیر می‌گردد. بهرحال، خود آنها اهمیت زیادی حتی برای کوچکترین منافع خود قائلند. مهم این است که آنها توان دسترسی به دارایی را از طریق گروه بدست آورده‌اند و می‌توانند با مسؤولیت مستقل و خودمختار از آنها (دارایی‌ها) استفاده نمایند. بنابراین مهم نیست که چنین دارائیهایی ذخیره شده باشد و یا به عنوان اعتبار دریافت شده باشد. همچنین، این باعث تقویت جایگاه آنها در ارتباط با همسرانشان می‌شود. همچنین اجرای یک پروژه گروهی که به سایر اعضا روستا سود می‌رساند، وضعیت آنها را در جامعه روستایی ارتقاء می‌دهد. این امر خواسته آنها را در جامعه با ارزش‌تر می‌کند و در عین حال، باعث تقویت خودانگیزی و مناعت آنها می‌شود.

گروههای خودیار زنان به زنان روستایی که از طرق دیگر به سختی امکان